

اثرات حقوقی اجرای موادی از قانون تجارت

در

جریان اصلاح اساسنامه بانک‌های دولتی

اکبر پیروفر

سود و زیان هر دوره مالی شرکت، به منزله مفاصاحساب مدیران برای همان دوره مالی می‌باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن، مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است، سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خودبه‌خود از قید وثیقه آزاد خواهد شد. لازم به یادآوری است که حداکثر مدت مدیریت مدیران برطبق ماده ۱۰۹ دو سال می‌باشد.

در ماده ۱۱۸ آمده است: جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند، مشروط بر آن که تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدودکردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی، فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم‌یکن است.

ماده ۱۱۹ مربوط به انتخاب یک رییس و یک نایب‌رییس در اولین جلسه هیات‌مدیره از بین خود می‌باشد که باید شخص حقیقی باشند. مدت ریاست رییس و نایب‌رییس هیات‌مدیره

به موجب تبصره بند "ی" ماده ۷ قانون برنامه چهارم مصوب ۸۳/۶/۱۱، هیات دولت موظف شده است تا پایان سال دوم برنامه، اساسنامه کلیه بانک‌ها و شرکت‌های دولتی موضوع این بند را براساس پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به نحوی اصلاح نماید که اختیارات و چگونگی انتخاب اعضای هیات‌مدیره و مدیرعامل و بازرسان با رعایت مواد ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۴ و ۱۲۵ قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ همسان گردد^(۱). دوره برنامه چهارم از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۸ می‌باشد و دولت موظف شده طرف مدت و مهلت مذکور به تکلیف قانونی خود عمل نماید.

مواد اشاره‌شده از قانون تجارت، در اصلاحیه سال ۱۳۴۷ مربوط به شرکت‌های سهامی (خاص و عام) منظور شده است و مضمون هریک از آنها چنین است:

ماده ۱۰۷ مربوط به انتخاب هیات‌مدیره از بین صاحبان سهام می‌باشد که کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند و عده آنان در شرکت‌های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۸ تصریح به انتخاب مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی دارد.

ماده ۱۱۶ مقرر داشته است که تصویب ترازنامه و حساب

■ ■ ■
قانون تجارت مقرر داشته است که هیات‌مدیره از بین صاحبان سهام انتخاب شود، در حالی که سرمایه بانک‌های دولتی کلاً متعلق به دولت می‌باشد و سهامداران متعددی وجود ندارند که اعضای هیات‌مدیره از بین آنها انتخاب شوند.
■ ■ ■

بیش از مدت عضویت آنها در هیات‌مدیره نخواهد بود. هیات‌مدیره در هر موقع می‌تواند رییس و نایب‌رییس هیات‌مدیره را از سمت‌های خود عزل کند.

در ماده ۱۲۴ ترتیب انتخاب مدیرعامل شرح داده شده که هیات‌مدیره می‌بایست اقلأً یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل انتخاب نماید و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیات‌مدیره باشد، دوره مدیریت عاملی او از مدت عضویت او در هیات‌مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رییس هیات‌مدیره همان شرکت باشد، مگر با تصویب سه‌چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی. هیات‌مدیره در هر موقع می‌تواند مدیرعامل را عزل نماید.

در ماده ۱۲۵ تصریح شده است که مدیرعامل در حدود اختیاراتی که توسط هیات‌مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب می‌شود و از طرف شرکت حق امضا دارد.

در حال حاضر، با توجه به این که لایحه قانونی اداره امور بانک‌ها و متمم آن مصوب سال ۱۳۵۸ طرز اداره سیستم بانکی دولتی را تعیین و مشخص می‌نماید، در این نوشته اثرات اجرای مواد اشاره‌شده در قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ در لوائح مصوب سال ۱۳۵۸ مورد بررسی قرار می‌گیرد، با توضیح این که به لحاظ رعایت اختصار، مقصود از کلمه "لایحه" در این نوشته، لوائح قانونی اداره امور بانک‌ها مصوب سال ۱۳۵۸ می‌باشد.

۱- انتخاب هیات‌مدیره

برطبق بند ۳ ماده ۶ لایحه، انتخاب اعضای هیات‌مدیره بانک‌ها با پیشنهاد شورای عالی بانک‌ها جزو وظایف مجمع عمومی عادی است. ماده ۱۰۷ قانون تجارت مقرر داشته است که هیات‌مدیره از بین صاحبان سهام انتخاب می‌شود. سرمایه بانک‌های دولتی کلاً متعلق به دولت می‌باشد و مطابق شرکت‌های سهامی (چه خاص و چه عام) سهامداران متعددی وجود ندارند که اعضای هیات‌مدیره از بین آنها انتخاب شوند.

به موجب ماده ۳ لایحه، مجمع عمومی بانک‌ها از چند وزیر تشکیل می‌شود که اصولاً وزارتخانه‌های متبوع آنان نماینده صاحب سهم (دولت) تلقی می‌شوند و چون مجمع عمومی با حضور اشخاص حقیقی تشکیل می‌یابد، لذا اجرای ماده ۱۰۷ قانون تجارت مستلزم اینست که اعضای هیات‌مدیره بانک‌های دولتی از بین وزیران وزارتخانه‌های متبوع خود به عنوان صاحبان سهام انتخاب شوند، در حالی که وزیر در یک

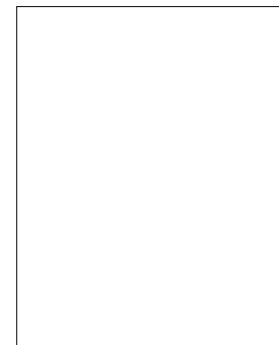
زمان نمی‌تواند عضو هیات‌مدیره یک بانک دولتی نیز باشد و ممنوعیت داشتن بیش از یک شغل دولتی در اصل ۱۴۱ قانون اساسی هم ذکر شده است. ضمناً ماده واحده ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب سال ۱۳۷۳ نیز فقط شرکت و عضویت در مجامع عمومی شرکت‌های دولتی را به عنوان نماینده قانونی سهام دولت مجاز دانسته، لکن پرداخت یا دریافت حقوق بابت شرکت و عضویت را ممنوع اعلام کرده است (تبصره ۳ ماده واحده). علاوه بر این، بند ۳ ماده ۶ لایحه، انتخاب اعضای هیات‌مدیره بانک‌ها را بنا به پیشنهاد شورای عالی بانک‌ها از وظایف مجمع عمومی برشمرده است، واضح است که اعضای مجمع عمومی (ماده ۳ لایحه) نمی‌توانند خود را به عنوان اعضای هیات‌مدیره بانک انتخاب نمایند و تا حال هم عملکرد به این صورت بوده است. در نتیجه، به نظر می‌رسد که اجرای ماده ۱۰۷ قانون تجارت درباره انتخاب اعضای هیات‌مدیره مشخصاً و الزاماً از بین صاحبان سهام در بانک‌های دولتی، در ساختار فعلی این بانک‌ها و با حاکمیت لایحه مواجه با مانع خواهد بود.

درست است که حکم مقرر در تبصره بند "ی" ماده ۷ قانون برنامه چهارم ناظر به اصلاح اساسنامه بانک‌های دولتی است، لکن اساسنامه بانک‌های دولتی فراتر از محتوای لایحه نیست و در اساسنامه موضوعی که با لایحه مغایرت داشته باشد، وجود ندارد و نمی‌تواند هم وجود داشته باشد.

در فرض این که اجرای موادی از قانون تجارت در مورد بانک‌های دولتی از نظر تدوین‌کنندگان تبصره مورد بحث مشکلی نداشته است، در عین حال که ماده ۱۰۷ پایه و اساس کار و تغییر و اصلاح می‌باشد، اشکالی ندارد که تبعات اجرای تبصره در لایحه بازگو شود.

ماده ۱۴ لایحه، تعداد اعضا و وظایف هیات‌مدیره هر بانک را موکول به تعیین و مشخص کردن آن در اساسنامه هر بانک کرده است که در صورت اعمال ماده ۱۰۷ قانون تجارت هرگاه شکل حقوقی بانک‌های دولتی به صورت شرکت سهامی عام درآید، تعداد اعضا نباید از پنج نفر کمتر باشد و درباره اختیارات مدیران در ماده ۱۱۸ قانون تجارت تعیین تکلیف شده است. در نتیجه، با اعمال ماده ۱۰۷، ماده ۱۴ لایحه و بند ۱ ماده ۱۳ و تبصره آن که در قسمت وظایف و اختیارات شورای بانک‌ها آمده است و بند ۳ ماده ۶ لایحه که انتخاب اعضای هیات‌مدیره بانک‌ها را موکول به پیشنهاد شورای عالی بانک‌ها نموده و بند ۵ همان ماده که صدور احکام اعضای هیات‌مدیره بانک‌ها را از اختیارات وزیر امور اقتصادی و دارایی دانسته است، قابل اجرا نخواهد بود.

ماده ۱۰۸ مربوط به تعیین مدیران شرکت توسط



اجرای ماده ۱۰۷ قانون تجارت مستلزم آن است که اعضای هیات‌مدیره بانک‌های دولتی از بین وزیران وزارتخانه‌های متبوع خود به عنوان صاحبان سهام انتخاب شوند، حال آنکه داشتن بیش از یک شغل دولتی ممنوع است و وزیر در یک زمان نمی‌تواند عضو هیات‌مدیره یک بانک دولتی هم باشد.

اجرای ماده ۱۱۶ قانون تجارت در بانک‌های دولتی مستلزم آن است که مدیران بانک‌ها نیز تعدادی از سهام بانک‌ها را دارا باشند، در حالی که بانک دولتی فاقد اوراق سهام می‌باشد.

مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی موسس می‌باشد که توضیح لازم داده شد.

۲- مفاسحساب مدیران و سهام مورد وثیقه

مضمون ماده ۱۱۶ قانون تجارت قبلاً ذکر شد. موضوع قابل تذکار این است که با تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره‌ای که طی آن، مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگر از آنان سلب سمت شده باشد، سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خود به خود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

ماده ۱۱۴ قانون تجارت مقرر نموده که مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است، دارا باشند. با این ترتیب، اجرای ماده ۱۱۶ قانون تجارت در بانک‌های دولتی مستلزم این است که مدیران بانک‌ها نیز تعداد سهامی را که اساسنامه بانک تعیین خواهد نمود، دارا باشند. این موضوع در لایحه وجود ندارد، مضافاً این که بانک دولتی فاقد اوراق سهام می‌باشد.

۳- اختیارات مدیران

ماده ۱۱۸ قانون تجارت ناظر به اختیارات مدیران می‌باشد که متن آن قبلاً ذکر شد. ماده ۱۴ لایحه وظایف هیات‌مدیره هر بانک را موقوف به تعیین آن در اساسنامه شرکت نموده است که با اجرای ماده ۱۱۸ قانون تجارت، این ماده حاکم به موضوع خواهد بود. لازم به یادآوری است که در تمام اساسنامه شرکت‌های سهامی تعدادی از اختیارات مدیران شرکت ذکر می‌شود.

۴- انتخاب رییس و نایب‌رییس هیات‌مدیره

ماده ۱۱۹ قانون تجارت مربوط به انتخاب و تعیین رییس و نایب‌رییس می‌باشد که متن آن قبلاً ذکر شد. در این ماده، هیات‌مدیره موظف شده است که در اولین جلسه خود از بین اعضا یک رییس و یک نایب‌رییس که باید شخص حقیقی باشد، انتخاب نماید. در لایحه، تعیین رییس و نایب‌رییس هیات‌مدیره پیش‌بینی نشده است و در نتیجه، ماده ۱۱۹ قابل اجرا خواهد بود.

۵- انتخاب مدیرعامل

ماده ۱۲۴ قانون تجارت مربوط به انتخاب مدیرعامل می‌باشد که مضمون آن قبلاً ذکر شده است. مطابق این ماده، مدیرعامل می‌بایست توسط هیات‌مدیره انتخاب شود. از نظر ماده ۱۲۴ مدیرعامل می‌تواند شخصی غیر از اعضای هیات‌مدیره باشد. با اجرای این ماده، بند ۴ ماده ۶ لایحه که

انتخاب مدیران عامل بانک‌های تخصصی را به پیشنهاد وزیر مربوط و انتخاب مدیران عامل بانک‌های تجاری را به پیشنهاد وزیر بازرگانی با نظر شورای عالی بانک‌ها دانسته و همچنین بند ۵ ماده ۶ لایحه که صدور احکام مدیران عامل را در صلاحیت وزیر امور اقتصادی و دارایی دانسته است، قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد. ضمناً تبصره ماده ۱۲۴ مشعر بر این است که هیات‌مدیره در هر موقع می‌تواند مدیرعامل را عزل نماید.

۶- اختیارات مدیرعامل

برطبق ماده ۱۲۵ قانون تجارت که مضمون آن قبلاً ذکر شد، مدیرعامل در حدود اختیاراتی که توسط هیات‌مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب می‌شود و از طرف شرکت حق امضا خواهد داشت. ماده ۱۵ لایحه مقرر داشته است که مدیرعامل بالاترین مقام اجرایی و اداری بانک است که حسب پیشنهاد شورای عالی بانک‌ها از طرف مجمع عمومی بانک‌ها انتخاب می‌شود. با اجرای مواد ۱۲۴ و ۱۲۵ قانون تجارت، ماده ۱۵ لایحه قابلیت اجرایی نخواهد داشت.

در عین حال، در تبصره بند "ی" ماده ۷ اشاره به بازرسان هم شده است، لکن موادی که از اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ نقل شده، مربوط به بازرسان نیست و بخش ۷ قانون مذکور از ماده ۱۴۴ تا ۱۵۶ مربوط به بازرسان می‌باشد.

اشاره به یک نکته ضروری است که به موجب بند ۷ ماده ۶ لایحه، تصویب اساسنامه هر یک از بانک‌ها در زمره وظایف مجمع عمومی عادی بانک‌هاست که از تعدادی از وزیران تشکیل می‌شود که هرگاه پایه کار مضمون بند "ی" ماده ۷ قانون برنامه چهارم باشد، با توجه به این که اجازه تصویب اساسنامه بانک‌های دولتی به هیات وزیران (مجموعه وزیران کابینه)^(۲) داده نشده است، بانک‌های دولتی از شمول بند "ی" خارج خواهند بود، اما تبصره ذیل بند "ی"، هیات دولت را مکلف کرده است که مواد اشاره‌شده از قانون تجارت را درباره انتخاب اعضای هیات‌مدیره و مدیرعامل و بازرسان بانک‌های دولتی اعمال نماید. اکنون این مساله مطرح می‌شود که از یک سو، تصویب اساسنامه بانک‌های دولتی سابق و ملی شده بعدی (ماده ۱ لایحه) در صلاحیت مجمع عمومی عادی بانک‌ها می‌باشد، اما از سوی دیگر، اصلاح و تغییر بخشی از اساسنامه بانک‌های دولتی به عهده هیات‌وزیران گذاشته شده که در واقع، همانطور که شرح داده شده است، محتاج تغییر و اصلاح بخشی از لایحه می‌باشد.

قبلاً نیز در اجرای ماده ۹۰ قانون برنامه سوم توسعه مصوب سال ۱۳۷۹، به دولت اجازه داده شده بود که حداکثر طی مدت

■ ■ ■
بانک‌های دولتی به مجموعه مقررات مدون سازمانی و تشکیلاتی یکپارچه مطالعه شده نیاز دارند و باید تحت آمریت قانون مصوب مذکور اداره شوند.

■ ■ ■
باید تا حد امکان از حرکت به سوی آمریت قوه مجریه در نظام بانکی دولتی پرهیز شود و به جای آن، وظایف و اختیاراتی به بانک مرکزی داده شود.